

سیری در اندیشه سیاسی عرب

از حمله ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم

نوشته

حمید عنایت



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۱

عنایت، حمید، ۱۳۶۱-۱۳۱۱.

سیری در انديشه سياسی عرب: از حمله ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم / نوشته حميد عنایت. - تهران:

اميرکبير، ۱۳۷۰.

شانزده، ۳۰۹ ص. مصور، نمونه، عکس.

ISBN 978-964-00-0280-3

چاپ دوازدهم: ۱۳۹۱.

كتابنامه: ص. [۲۸۹]-[۲۹۷]، همچنین به صورت زيرنويس.

۱. علوم سياسي - کشورهای عربي - فلسفة. ۲. کشورهای عربي - سياست و حکومت - ۱۸۰۰ م. ۳. اصلاح طلبان - مصر. ۴. تجدد کشورهای عربي. ۵. استعمار زدایی - کشورهای عربي. ۶. روشنفکران - کشورهای عربي. ۷. اسلام - تجدد حیات فکری. ۸. روشنفکران دینی - کشورهای عربي.

۳۲۰/۹۱۷۴۹۲۷

JA ۸۴/۵ ع ۹ ۱۳۷۰

۰۵۵-۰۵۰

كتابخانه ملي ايران

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۰۲۸۰-۳



مؤسسة انتشارات اميرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

سیری در انديشه سياسی عرب

© حق چاپ: ۱۳۹۱، ۱۳۵۶، مؤسسه انتشارات اميرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: دوازدهم

نويسنده: حميد عنایت

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپخانه سپهر، تهران، خیابان ابن سينا (بهارستان)، شماره ۱۰۰

شماره گان: ۱۰۰۰

بهای: ۶۸۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویس، ذخیره کامپیوتري، اقتباس کلي و جزئي (به جز اقتباس جزئي در نقد و بررسی، و اقتباس در گيومه در مستندنويسی، و مانند آنها) بدون مجوز كتبي از ناشر ممنوع و از طريق مراجع قانوني قابل پيگيري است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

یازده

سخنی در موضوع و روش کار

بخش نخست: پیش‌درآمد روزگار نو

۱	زمینه فکری
۹	زمینه اجتماعی
۱۲	پیشگامی مصر
۱۶	وضع شام

بخش دوم: پیروی از تمدن غرب

۲۷	طهطاوی
۳۸	آغاز کوشش روشنفکران
۴۰	یعقوب صنوع
۴۵	شبلي شمیل
۵۶	طه حسين
۵۷	فى الشعر الجاهلى
۵۹	مستقبل الثقافة فى مصر
۷۱	الفتنة الكبرى

هفت

بخش سوم: تجدد فکر دینی

۷۷	سید جمال الدین اسد آبادی
۸۷	حقیقت مذهب نیچری
۹۸	عروة الوثقى
۱۰۴	پاسخ به رنان
۱۱۳	میراث سید جمال الدین
۱۱۴	شیخ محمد عبدہ
۱۲۰	جنیش عرابی
۱۲۲	عبدہ و عرابی
۱۲۳	گرایش عبدہ به اصلاح اجتماعی
۱۲۸	عبدہ و غرب
۱۳۱	اندیشه‌های اجتماعی عبدہ: ۱- ریشه‌های جمود
۱۳۷	۲- دین و اصلاح اجتماعی
۱۴۴	۳- دین و اخلاق
۱۴۸	عبدہ و سیاست
۱۵۶	محمد رشید رضا
۱۶۰	عبدالرحمن کواکبی
۱۶۲	طبایع الاستبداد
۱۷۴	ام القری
۱۷۹	کنگره‌های اسلامی
۱۸۲	علی عبدالرازق
۱۸۳	الاسلام و اصول الحكم
۱۹۵	الكلم الشمان

بخش چهارم: وطن پرستی مصری

مصطفی کامل

۱۹۶

اندیشه‌های سیاسی مصطفی کامل:

۲۰۱

۱- درباره مفاهیم وطن و ملت

۲۰۴

۲- رابطه دین و ناسیونالیسم

۲۰۵

۳- درباره تمدن غربی

۲۰۹

احمد لطفی السید

۲۱۲

هویت مصری

۲۱۳

ستم ترکان

۲۱۶

پایه‌های ملیت

بخش پنجم: فرجام راه، آیین یگانگی

نجیب عازوری

۲۲۸

عرب و یهود

۲۳۵

اخوان المسلمين

۲۴۰

استعمار غرب

۲۴۲

اوپایع اجتماعی و اقتصادی

۲۴۶

موانع یگانگی

۲۴۸

آیین یگانگی

۲۵۰

عبدالرحمن البزار

۲۵۲

ساطع الحصری

۲۵۴

پیوستها

پیوست ۱

الف- شعر شبیلی شمیل، درستایش حضرت محمد «ص» و قرآن

٢٦٧	ب۔ سخن شبی شمیل، دربارہ امام علی بن ابیطالب «ع»
٢٦٧	پیوست ۲۔ دربارہ مذهب سید جمال الدین اسد آبادی
٢٧١	استناد اول
٢٧١	استناد دوم
٢٧٢	نظریہ شیخ آقا بزرگ تهرانی
٢٧٩	پیوست ۳۔ دربارہ آراء علی عبدالرازق مصری
٢٨٠	مسئلہ نخست
٢٨١	مسئلہ دوم
٢٨٣	مسئلہ سوم
٢٨٤	مسئلہ چهارم
٢٨٥	مسئلہ پنجم
٢٨٦	مسئلہ ششم
٢٨٩	کتابنامہ
٢٩٩	فهرست راہنما

سخنی در موضوع و روش کار

موضوع این کتاب، بررسی و سنجش اندیشه‌هایی است که زمینه جنبش سیاسی ملتهای عرب را در زمان ما فراهم کرده است. پیدایی و بارآوری این اندیشه‌ها نزدیک به یک قرن و نیم - از حمله ناپلئون به مصر تا حدود جنگ جهانی دوم - زمان گرفت و چارچوب زمانی پژوهش ما نیز همین دوره است. نام عرب، ملتهای بسیاری را دربر می‌گیرد ولی در این کتاب، ما بیشتر به مصر و آن بخش از شام (یا به اصطلاح نویسنده‌گان اروپایی «سوریه جغرافیایی») که امروزه به نام سوریه و لبنان شناخته شده است نظر داشته‌ایم.

در این باره که چرامصر و شام، پیشگام جنبش عرب بوده‌اند در بخش نخست کتاب سخن خواهیم گفت، ولی بررسی این جنبش را از آن‌رو با حمله ناپلئون به مصر آغاز کرده‌ایم که این کشور پیش از سرزمینهای دیگر عرب با غرب پیوستگی یافت و به خود آمد. از سال ۹۲۲ هجری / ۱۵۱۷ میلادی که دستگاه ممالیک مصر برچیده شد و عثمانیها جای ایشان را گرفتند، مصر همچون سرزمینهای دیگر عرب نشین در یهودی و تاریک اندیشی به سر می‌برد. راست است که پیش از حمله ناپلئون، تلاش‌هایی در شام در راه پیشرفت فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته بود، چنانکه در قرن هفدهم امیر فخر الدین بنانی به دولتشین تو سکانی سفر کرد و در بازگشت، گروهی از مهندسان ایتالیایی را با خود به لبنان آورد، و نیز در گسترش پیوندهای بازار گانی با کشورهای مدیترانه کوشید، یا در سال ۱۶۱۰ نخستین چاپخانه به لبنان آورده شد، یا بطور کلی، آرزوهای اصلاحی برخی از فرمانروایان عثمانی همچون سلطان سلیمان سوم در پایان قرن هیجدهم و پس از آن سیاست «تنظیمات» در قرن نوزدهم خواهناخواه به گسترش اندیشه پیشرفت، هرچند به گونه‌ای مبهم، در میان ملتهای زیر دست یاری رساند. ولی هیچیک از آن تلاشها به اندازه حمله

نایپلئون در بیدار کردن غرور ملی و آرزوی پیشرفت در میان قومی عرب زبان، کارگر نیفتاد. به همین دلیل، زمینه جدایی مصر از مملکت عثمانی، زودتر از سرزمینهای دیگر آماده شد.

پس از بیرون رانده شدن فرانسویان از مصر، محمدعلی، خدیو آن کشور، مظہر این غرور و آرزوگشت. او نیز مانند فرمانروایان دیگر مشرق در آن زمان، پیشرفت را بیشتر در زمینه آرایش سپاهی و فتوون جنگی ضرور می‌دانست. ولی حتی از همان دوره کوتاه اقامت فرانسویان در مصر، اندیشه‌های نو به میان رهبران فکری مصر را یافته بود؛ برخورد و گفتگوی علمای مصری همچون عبدالرحمن جبڑتی تاریخ‌خویس و شیخ حسن عطّار استاد الازهر با دانشمندانی که نایپلئون همراه خود به مصر آورده بود نمی‌توانست شوق همگامی با غرب را نزد مصریان بر نینگیزد. بتدریج که نفوذ استعماری انگلیس و فرانسه در جهان عرب گسترش یافت و جنبش میهن‌پرستی (وطنیت) در میان ملت‌های عرب برای مقابله با آن نیرومند شد، ترقی خواهی به صورت مذهب اجتماعی درس خواندگان درآمد.

تنها تازیانه بیگانه نبود که ملت‌های عرب را بیدار کرد. بعراوهای درونی مملکت عثمانی نیز که باستی یا گستاخی نهادهای سیاسی و اجتماعی کهنه همراه بود انگیزه دیگری برای این بیداری شد. عربان از آن زمان که به یوغ عثمانی گردن نهادند ترکان را به پاس همکیشی، بیگانه از خود نمی‌دانستند و اتباع فرمانبرداری برای سلطان بودند. ترکان نیز بطور کلی خاطر ایشان را گرامی می‌داشتند خاصه که فرهنگ و زبان عرب را نشانه فضل می‌شمردند و آن را از فرهنگ و زبان ترک برتر می‌نهادند. حتی سلطانی چون عبدالحمید، مشاوران عربی چون ابوالهُدی و عزت پاشا در دستگاه خود داشت. ولی چون مملکت عثمانی رو به ناتوانی و تباہی نهاد، احساس نایمی، فرمانروایان ترک را همچون خود کامگان دیگر تاریخ به زور گویی و ستمگری بیشتر در حق مردمان زیر دست واداشت. تایکچند برخی از اندیشه گران ترک و عرب کوشیدند تایگانگی مملکت عثمانی را استوار دارند و با اصلاحات سیاسی و خاصه به کار بستن اصول «لیبرالیسم» غربی و نظام پارلمانی، آن را

از خطر پراکندگی برهانند. چنین بود آرمان ترکان نوآندیشی چون نامق. کمال و احمد رضا که می‌خواستند نژاده‌ها و کیش‌های گوناگون در سایه حکومتی ترک که لیبرالیسم را با اصول اسلامی در آمیزد یگانه بمانند. در میان رهبران اندیشه عرب در آن روزگار، کسانی چون شیخ محمد عبده و رشید رضا همین آرزو را داشتند ویگانگی عرب و ترک را برای درهم شکستن فشار غرب لازم می‌دانستند. از همه این کسان پرآوازه‌تر، ساطع الحصری بود که به نام پیشوای قومیت عرب شناخته شده است، ولی تا پیش از جنگ جهانی اول، خود را بی‌تردید در صفوت هواخواهان بقای قدرت عثمانی جای می‌داد. همکاری عرب و ترک به رغم رنجشها و دشمنیها تا سالهای دهه نخست

قرن بیستم دوام یافت و در انقلاب ترکان جوان، در سال ۱۹۰۸، بر ضد عبدالحمید نیز دست کم دو افسر عرب، عزیزعلی مصری و محمود شوکت. پاشا در شمار رهبران بودند. ولی پس از آنکه ترکان جوان به سیاست تورانیگری، یعنی اعتقاد به خلوص و برتری نژادترک، گرویدند و اپسین پیوند. های دوستی گستاخ و دشمنی و کینه جویی جای آن را گرفت: ترکان سیاست ضد عرب را آغاز کردند و انجمنهای فرهنگی یا سیاسی عرب را برچیدند. جنبش عرب نیز حالت «زیرزمینی» به خود گرفت. و این تحول با جنگ جهانی اول همزمان بود که در جریان آن، دولت انگلیس تصمیم گرفت تا از دشمنی ترک و عرب به سود خود بهره‌گیرد و ناسیونالیسم (قومیه) عرب را بر ضد ترک یاری کند. بدینسان قیام شریف حسین در ژوئن سال ۱۹۱۶، از یک سو حاصل آرزوهای واقعی عرب برای آزادی و استقلال، و از سوی دیگر نتیجه زمینه چینیهای استعمار انگلیس برای پیشبرد منافع جنگی خود بود. پیوستگی با استعمار انگلیس، جنبش قومی عرب را به پیراهن بند و بست با قدرتهای بزرگ جهانی کشاند. و همین بند و بست یکی از عمل اصلی ناکامیهای بعدی آن شد.

یکی از نتایج مهم واکنش جهان عرب در برابر یگانگان، خواه ترک و خواه غربی، تجدد فکر دینی بود. این جنبش نخست به نام پیراستن دین اسلام از آثار فکر غیر عرب آغاز گشت و در دو نهضت وها بی در عربستان

و سنوسی در شمال آفریقا تظاهر پیدا کرد. ولی پس از یکچند با آگاهی از جریانهای بزرگ فکری زمان، از آنها جدا شد و شکل هوشیارانه‌تری یافت. آنگاه ضرورت آمیختن ایمان دینی با آگاهی عقلی و شناخت علمی جهان و نقد باورهای توده و پیکار با نادانی و خرافه و ستم پذیری را شعار خود قرار داد. از میان نواندیشان، گروهی از دین بد سود سلطان عثمانی و نگاهداری آن در برابر غرب بهره برداشت، گروهی دیگر آنرا در خدمت جنبش‌های سیاسی عرب به کار گرفتند و گروهی نیز خواهان جدا شدن از سیاست شدند. ولی روی هم رفته چون پیکار با استعمار، عاجل‌ترین فریضه مسلمانان می‌نمود، تجدددخواهی بیشتر در مسیر کشاکش‌های سیاسی افتاد و از این‌رو هیچگاه برای واقعیت دادن به آرزوهای خود، از جمله تأمل و نظر در مسائل عقلی و ریشه‌کن کردن خرافه و نادانی و تقلید کورکورانه، فرصت کافی نیافت.

با فرا رسیدن جنگ جهانی نخست، این تلاشها و جنبشها با همه ناتوانیها و کاستیهای خود در جنبش عرب برای یگانگی درهم آمیخت و بدینسان توanst در میان طبقات متوسط شهرنشین او هر سلیقه و مشرب پیروان فراوان بیابد. هدف اصلی این جنبش در آغاز مبارزه با استعمار انگلیس و فرانسه بود، ولی بزودی مقاومت در برابر تجاوز صهیونیست نیز بر آن افزوده شد. لیکن همین آمیختگی جریانهای فکری گوناگون و گاه ناهمساز (فرنگی‌ماهی و میهن‌پرستی، آزادی‌خواهی و تلاش برای ایجاد حکومت نیرومند و متصرکز، تجدددخواهی دینی و اعتقاد به جدا شدن از سیاست) سبب شد که جنبش در درون خود به تناقضهایی دچار شود و زمینه جدا شهای تازه‌ای گردد. وانگهی آنچه به اصطلاح آرزومندان یگانگی، «امت عرب» نام دارد و بطور نظری همه مردمان عرب را در بر می‌گیرد، در واقع امر به ملت‌های جدا از هم (به عربی «شعوب» جمع شَعْبَت) تقسیم شد که هر یک آرزوها و دشواریها و ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی و تعصبهایی خاص خود داشت. اگر براین تناقضها وجود ایها، فتنه‌انگیزیهای قدرتهای بزرگ جهانی را نیز بیفزاییم، موافع اصلی یگانگی عرب را فهرست‌وار برشمرده‌ایم.

یکی از کمبودهای اساسی محیط فکری ما در ظرف نیمقرن اخیر، بیخبری از جریانهای فکری در کشورهای مسلمان است. این بیخبری گذشته از علی سیاسی، ریشه‌های فرهنگی نیزدارد. شیفتگی سطحی بیشتر با سوادان ما به اندیشه‌های غربی و بیزاری آنان از هر آنچه بوی کهنگی و دیرینه دوستی بددهد، بیگمان یک علت عده آن است، ولی از تعصبهای مذهبی نیز که بر پراکندگی و چند دستگی ملتها این منطقه افزوده است غافل نباید بود. ضرورت آگاهی از آنچه در ذهن نویسنده‌گان ملل همسایه ایران در زمینه سیاست و اجتماع گذشته است و می‌گذرد از باب اظهار فضل و تفاخر به معلومات نادر نیست. در ظرف بیست سال اخیر در ایران، از تأثیر فرهنگ غرب بر فرهنگ ملی و «غرب‌زدگی» ما ایرانیان سخن بسیار گفته شده است. آنانکه در این بحث، صمیمیتی داشته‌اند و آنچه نوشته‌اند پسند کهتران یا مهتران نبوده است، در ارزیابی خود از فرهنگ غربی بیشتر بر آثار سطحی آن در اندیشه روشنفکران و زندگی سیاسی و اجتماعی تکیه کرده‌اند.

ولی چیزی که در پژوهش‌های نویسنده‌گان مغلوب ناگفته‌مانده، آزموده‌های ملتها بوده است که وضعی همانند ما در گذشته نزدیک داشته‌اند و زودتر از ما با فرهنگ غرب ارتباط پیدا کردن و در پاره‌ای موارد نیز مبانی آن را با دیدی انتقادی‌تر از ما دریافتند. آگاهی از داوریهای نویسنده‌گان این ملتها در زمینه تمدن و فرهنگ غرب، هر اندازه اندیشه‌های آنان گاه خام و ساده دلانه بنماید، می‌تواند دست کم معیار واقع‌بینانه‌تری در بحثها به دست ما دهد تا بازگویی سخنان شپنگلر و توین‌بی و هایدگر و مارکوزه و جز اینان. این سخن به معنی انکار ضرورت شناخت دقیق و عمیق اندیشه غربی نیست. ولی مشکل آنجاست که روشنفکران ما گاه ضرورت این شناخت را (که در آن سخت کوتاه آمده‌ایم) با تقلید یا پیروی نیندیشیده از قالبهای فکری و ذوقی غرب (که در آن به افراط گراییده‌ایم) اشتباه می‌کنند. غرب‌زدگی نه در ترجمه درست آثار بزرگ فرهنگ غربی بلکه در آشنایی ناقص با آنها و تقلید دزدانه از سرمشقهای فکری غرب با «برچسب» ملی در چاره‌اندیشیهای

سیاسی و اجتماعی است.

روش اساسی کار ما در این کتاب، بررسی اندیشه‌های است نه نقد آنها، با اشاره‌هایی به زمینه اجتماعی و اقتصادی مسائل، وابن روش از آن روبروی داشته است که با پیشینه‌ای که به اختصار گفته شد بسیاری از اندیشه‌گرانی که از آنها سخن خواهیم گفت در ایران ناشناخته یا کم‌شناخته بوده‌اند. با این حال، هر گاه عقایدی که موضوع بحث بوده با تاریخ اندیشه اجتماعی و سیاسی ایران مناسبی داشته است به اجمالی به نقد آنها پرداخته‌ایم.

مأخذ‌ما در بیشتر کتابهای دست اول نویسنده‌گان عرب بوده است، مگر در چند جا که به چنین کتابهایی دسترسی نداشته‌ایم و ناگزیر از منابع دست دوم، خواه عربی و خواه غربی، یاری جسته‌ایم. غریبان چون در طرف دو قرن اخیر در حوزه امپراتوری عثمانی و سپس ملل‌های سنی‌مذهب و بویژه عرب، گرفتاریها و سوداها بی‌اعتماد درباره تاریخ و اجتماع و فرهنگ آنها کتابهای مفصلی نوشته‌اند که هیچ پژوهندگانی از آنها بی‌نیاز نیست، به شرط آنکه هیچ‌گاه به آنها اعتماد مطلق نکند. چون در بیشتر کتابهایی که مأخذ ما بوده است تاریخ رویدادها اغلب به گاهنامه میلادی گزارش شده است ما نیز چنین کرده‌ایم، ولی گاهگاه از برای مقایسه، سالهای هجری را نیز آورده‌ایم.

به دوست دانشمندم، محمد رضا حکیمی، که کتاب راستار از روی دقت و دلسوی خواند، و نکته‌های سودمندی را برایم یادآورشده، و مخصوصاً مرا به یافتن نوشتده‌های شیعه درباره وها بیان راهنمایی کرد، و از همه مهمتر پیوست سودمندی بر کتاب نوشت، بسیار مدیونم.

از خانم نرگس نامدار که فهرست نامها و کتابنامه را از روی پانویسها فراهم کرد، و آقای حسین مشتاق که در امور چاپ از هیچ‌گونه کوشش دریغ نکردن بسیار سپاسگزارم.

حمید عنایت

مهر ۱۳۵۵